

## بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۹۵/۱۲/۲۱

### اجتهاد در مقابل نصّ «عایشه» و برخی دیگر از صحابه

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله

ما در هفته گذشته در سفر به عتبات عالیات نایب الزیاره همه عزیزان بودیم. هم در حرم حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و هم در حرم امام حسین (علیه السلام) و حرم قمر بنی هاشم نایب الزیاره دوستان بودیم.

همچنین در کاظمین که بعد از ۸ سال توفیق زیارت امام کاظم و امام جواد (علیهم السلام) را داشتیم، چندین بار مخصوصاً به یاد دوستان بودیم.

ما در کربلا هم توفیق داشتیم که تولیت آستان مقدس حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) از ما دعوت کردند و برای غبار روبی برای اولین بار داخل ضریح حرم مطهر امام حسین (علیه السلام) رفتیم.

الحق و الانصاف جای شما خالی خیلی خوش گذشت و جلسات خوبی هم با تولیت حرم حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) داشتیم. جلسه‌ای صمیمی و بسیار خوب داشتیم. همچنین با تولیت حرم مطهر حضرت سیدالشهدا و قمر بنی هاشم هم جلسات خوبی داشتیم.

قرار شد همکاری‌های مفصلی با «شبکه جهانی ولایت» داشته باشند و ما تقریباً مقدمات استودیوی نجف را هم انجام دادیم.

ما برای اولین بار شب شهادت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیه) برنامه زنده از داخل حرم و ده متری ضریح مطهر امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) داشتیم که تا به حال برای هیچ شبکه‌ای اتفاق نیفتاده بود.

حتی شبکه‌های عراقی تا به حال اجازه نداشتند که داخل حرم بروند و برنامه تلویزیونی داشته باشند. ما این اتفاق را عنایت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) به «شبکه جهانی ولایت» می‌دانیم. الحمد لله.

ما در رابطه با بحثی که نسبت به تقیه داشتیم عرض کردیم که تقیه در حقیقت قبل از آنکه بحث قرآنی و سنتی باشد، یک بحث عقلی و فطری است و ترک تقیه افتتان در دین است. ما در این زمینه آیه ۱۰۱ سوره مبارکه نساء را خواندیم که فرمود:

**وَ إِذَا صَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْضُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ  
الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا**

و چون به سفر می‌روید و بیم آن دارید که کفار شما را گرفتار سازند گناهی بر شما نیست که نماز را شکسته بخوانید، چون کفار دشمن آشکار شمایند.

**سوره نساء (۴): آیه ۱۰۱**

در حقیقت فتنه کافرین باعث می‌شود که حکم الهی تغییر پیدا کند و نماز چهار رکعتی دو رکعت و یا نماز خوف در یک رکعت و بعضاً نماز خوف با یک اشاره خوانده شود!

ما این مطالب را به صورت مفصل بحث کردیم. در این زمینه روایتی از امام باقر (علیه السلام) خواندیم که بعضی‌ها نسبت به **(فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ)** استدلال کردند که قصر نماز مسافر واجب نیست و گفتند که باکی نیست که شما نماز را قصر بخوانید!! امام فرمودند که:

**«فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتِ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا»**

من لا يحضره الفقيه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۱، ص

۴۳۴، ح ۱۲۶۵

آیا «جُنَاحُ» در اینجا هم به معنای استحباب است، یا به معنای وجوب است؟! البته بنده دیدم که «ابن تیمیه» هم در رابطه با قضیه نماز قصر به همین آیه استدلال می‌کند و نظر «ابوحنیفه» و «مالک» و دیگران را با استدلال بر این آیه رد می‌کند.

من احساس می‌کنم خود او چنین عقلی ندارد که این آیات را بیاورد. او قطعاً روایات معصومین (علیهم السلام) را دیده و از آنجا گرفته است!!

امام باقر (علیه السلام) افرادی که نماز را در حال تمام؛ قصر می‌خوانند و یا در جایی که باید افطار کنند روزه می‌گیرند را به «الْعَصَاة» تعبیر کرده است و در ادامه می‌فرماید: آن‌ها «الْعَصَاة» هستند و ما فرزندان و نوه‌های آن‌ها را تا امروز می‌شناسیم.

این روایت در کتاب «صحیح مسلم» جلد ۳ صفحه ۱۴۱ حدیث ۱۱۱۴ وارد شده است که یکی از عبارتهای خیلی دقیق است و ان شاءالله این عبارت حتماً در نظر دوستان باشد.

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در سال هشتم هجری که از مدینه به طرف مکه حرکت کردند، ماه رمضان بود. زمانی که در خارج از مدینه به حد ترخص رسیدند، افطار فرمودند و به مسلمانان دستور دادند که افطار کنند؛ ولی عده ای از خشکه مقدس‌ها، از افطار کردن خودداری کردند؛

«إِنَّ بَغْضَ النَّاسِ قَدْ صَامَ فَقَالَ أَوْلَيْكَ الْعَصَاةُ أَوْلَيْكَ الْعَصَاةُ»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۲، ص ۲۸۵، ح ۱۱۱۴

این حدیث در حقیقت بساط مسئله «عدالت صحابه» را به هم می‌زند و هیچ راهی برای توجیه اینکه تمام صحابه عادل هستند، نیست و «الْعَصَاةُ» به معنای کسی است که عادل نیست.

## پرسش:

معنای این افراد از عدل طور دیگری است. زمانی که من نگاه می‌کردم، دیدم که آن‌ها معتقدند بحث آن‌ها از عدل این است که می‌گویند: ما قبول داریم اصحاب اهل معصیت بودند، اما بحث این است که خداوند متعال این افراد را بخشیده است و این قابل توجیه نیست.

## پاسخ:

به قول «ابن جوزی» که وقتی بالای منبر رفت، گفت: امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) فرموده است که هرچه می‌خواهید از من سؤال کنید. من هم می‌گویم هر چه می‌خواهید از من بپرسید! در این حین زنی از پشت پرده بلند شد و سؤال کرد: آیا وقتی عثمان را کشتند، مسلمان بود و یا کافر بود؟!

او معطل ماند، زیرا اگر بگوید که مسلمان بود در این صورت معلوم می‌شود که صحابه مسلمانی را کشته‌اند و در این صورت:

(وَ مَنْ يَفْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا)

و هر کس مؤمنی را به عمد بکشد جزایش جهنم است که جاودانه در آن باشد.

سوره نساء (۴): آیه ۹۳

و اگر هم می‌گفت مسلمان نبود، این شخص خلیفه سوم آقایان بود. او معطل ماند و در نهایت گفت: تو با اجازه شوهرت بیرون آمدی یا بدون اجازه شوهرت؟! اگر با اجازه شوهرت بیرون آمدی که خدا شوهرت را لعنت کند و اگر بدون اجازه آمدی خدا خودت را لعنت کند!

او گفت: عایشه که در برابر حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) خروج کرد، با اجازه شوهرش آمده بود، یا بدون اجازه آمده بود؟!

زیرا قرآن کریم می‌فرماید:

**(وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى)**

و در خانه‌های خود بنشینید، و چون زنان جاهلیت نخست خود نمایی نکنید.

**سوره احزاب (۳۳): آیه ۳۳**

خلاصه «ابن جوزی» از منبر پایین آمد و گفت: این عبارت «سلونی قبل ان تفقدونی» تنها لایق امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) است.

به صورت کلی آقایان در رابطه با بحث عدالت صحابه اینطور ادعا می‌کنند. همچنین «ابن جوزی» تعبیری داشت و گفت: عایشه توبه کرده است. زن در جواب او گفت: جنایتش درایت است و توبه‌اش روایت است، درایت بر روایت مقدم است!!

آنچه از صحابه محرز است، این است که صحابه معصیت کرده‌اند اما توبه کردن آنها محرز نیست. همچنین در مورد اینکه این افراد مرتکب گناه می‌شوند، اما خداوند گناهشان را نمی‌نویسد، این سخنی خلاف قرآن کریم است.

قرآن کریم حتی نسبت به رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) که اشرف خلایق و افضل انبیاء است، می‌فرماید:

**(قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ)**

بگو من از این می‌ترسم که اگر در این مأموریت عصیان بورزم به عذاب روزی بزرگ مبتلا شوم.

**سوره انعام (۶): آیه ۱۵**

و یا می فرماید:

**فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ**

ما در قیامت از هر قومی که پیغمبر بسوی آنان فرستاده‌ایم پرسش نموده، و از پیغمبران نیز پرسش می‌کنیم.

**سوره اعراف (۷): آیه ۶**

و یا با عبارت شدید می فرماید:

**(وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ)**

و اگر پیامبر حتی یک کلمه از پیش خود جعل کند و به ما نسبت دهد با دست توانای خود او را می‌گیریم و سپس او را هلاک می‌کنیم.

**سوره الحاقة (۶۹): آیات ۴۴ و ۴۵ و ۴۶**

این افراد تصور می‌کنند که مقام صحابه از مقام پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بالاتر است. در حالی که وقتی تعبیر «الْعَصَاة» درباره صحابه به کار برده می‌شود، معنایش کاملاً واضح و روشن است.

ما بحث عدالت را مطرح کردیم و بیان کردیم که آن‌ها هم در عدالت، عقیده‌ای همانند عقیده شیعه دارند و معتقدند که عدالت یعنی گناه کبیره انجام ندهند و اصرار بر گناه صغیره هم نداشته باشند. تقریباً اکثریت بزرگان اهل سنت همین عقیده را در رابطه با عدالت دارند.

**پرسش:**

توجیه این افراد این است که می‌گویند صحابه هم همانند بسیاری افراد دیگر اجتهاد کردند.

## پاسخ:

اجتهاد یا باید مستند به آیه و یا مستند به سنت باشد. زمانی که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور به افطار می‌دهند، اما صحابه مخالفت می‌کنند، اینها به چه چیزی اجتهاد کردند؟! آن‌ها به آیه قرآن کریم اجتهاد کردند و یا به سنت پیغمبر اکرم اجتهاد کردند؟!

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) خودشان در آنجا حضور دارند، این افراد به چه چیزی اجتهاد کردند؟! اگر قرار باشد که اجتهاد دلبخواهی باشد، دیگر اصلاً گناهی در روی زمین باقی نمی‌ماند!

به عنوان مثال اگر کسی شراب می‌خورد، نظر بدهد که به اجتهاد ما شراب حلال است! همچنین در مورد زنا و لواط هم ادعا کنند که به اجتهاد ما این کارها هم حلال است!

اهل سنت اگر اینطور اجتهاد کنند، دیگر حرفی نیست و گناهی در کره زمین باقی نمی‌ماند و هرکسی در کره زمین هر گناهی مرتکب شود، می‌تواند چنین حرفی را بزند!

یکی از مصیبت‌های ما هم همین است که اهل سنت بحث «اجتهاد» را به ابتدال کشانند و از معنای واقعی اجتهاد چیزی باقی نمانده است.

در رابطه با صلاة مسافر از ائمه اهل سنت از جمله حنفی‌ها، حنبلی‌ها، مالکی‌ها و شافعی‌ها روایتی خواندیم که این افراد عمدتاً قائل به این هستند که قصر نماز در سفر واجب نیست و نهایتاً می‌گویند که مستحب مؤکد است. لذا غالب این افراد، در سفر نمازشان را تمام می‌خوانند!! «ابن تیمیه» هم در این زمینه تعبیری دارد و می‌گوید:

«تَنَازَعُ النَّاسُ فِي الْأَرْبَعِ فِي السَّفَرِ عَلَى أَقْوَالٍ»

سپس می‌گوید:

«أَحَدُهَا: أَنَّ ذَلِكَ بِمَنْزِلَةِ صَلَاةِ الصُّبْحِ أَرْبَعًا»

کسی که نماز سفر را چهار رکعتی بخواند، مثل این است که نماز صبح را چهار رکعتی خوانده است.

همان طور که اگر کسی نماز صبح را چهار رکعت بخواند باطل و خلاف است، در سفر هم اگر کسی نماز شکسته را تمام بخواند باطل و خلاف است.

«وَهَذَا مَذْهَبُ طَائِفَةٍ مِنَ السَّلَفِ وَالْخَلْفِ وَهُوَ مَذْهَبُ أَبِي حَنِيفَةَ وَابْنِ حَزْمٍ وَغَيْرِهِ مِنْ أَهْلِ الظَّاهِرِ»

سپس می گوید:

«ثُمَّ عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ إِذَا جَلَسَ مِقْدَارَ التَّشَهُدِ تَمَّتْ صَلَاتُهُ وَالْمَفْعُولُ بَعْدَ ذَلِكَ كَصَلَاةٍ مُنْفَصِلَةٍ قَدْ تَطَوَّعَ بِهَا»

ابی حنیفه می گوید: اگر در رکعت دوم به مقدار تشهد خواند، نمازش تمام است و آنکه بعد از این مفعول واقع شد همانند نماز مستقل است.

همچنین از «ابن عباس» نقل می کند:

«مَنْ صَلَّى فِي السَّفَرِ أَرْبَعًا كَمَنْ صَلَّى فِي الْحَضَرِ رَكَعَتَيْنِ»

کسی که در مسافرت چهار رکعت بخواند، همانند این است که در منزل خود نماز ظهر را دو رکعتی بخواند.

همان طور که خواندن نماز ظهر در حضر، خلاف و گناه است و باطل است، نماز چهار رکعتی در سفر هم همین حکم را دارد.

همچنین از «ابن حزم» نقل می کند:



«وربنا عن عمر بن عبد العزيز وقد ذكر له الإتمام في السفر لمن شاء فقال: لا؛ الصلاة في السفر ركعتان حنمان لا يصح غيرهما»

در نهایت تعبیر زیبایی دارد و می‌گوید:

«وَحُجَّةٌ هَؤُلَاءِ: أَنَّهُ قَدْ ثَبَتَ أَنَّ اللَّهَ إِثْمًا فَرَضَ فِي السَّفَرِ رَكَعَتَيْنِ. وَالزِّيَادَةُ عَلَى ذَلِكَ لَمْ يَأْتِ بِهَا كِتَابٌ وَلَا سُنَّةٌ»

این مبحث، از سری مباحث کلیدی است. در ادامه می‌گوید:

«وَكُلُّ مَا رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ أَنَّهُ صَلَّى أَرْبَعًا أَوْ أَقَرَّ مَنْ صَلَّى أَرْبَعًا فَإِنَّهُ كَذِبٌ»

آنچه از پیغمبر نقل شده است که می‌گویند: پیغمبر اکرم چهار رکعتی خواند یا کسانی که چهار رکعتی می‌خواندند را تأیید کرد، همگی روایات دروغ است.

در روایتی از عایشه نقل شده است که می‌گوید: پیغمبر اکرم در مسافرت نماز خود را شکسته می‌خواند و من تمام می‌خواندم. همچنین می‌گوید: پیغمبر اکرم روزه خود را افطار می‌کرد، اما من روزه می‌گرفتم.

عایشه می‌گوید به پیغمبر اکرم عرض کردم: یا رسول الله! تو در این مسافرت نماز را قصر خواندی و من تمام خواندم. تو روزه خود را افطار کردی، درحالی‌که من همیشه صائم بودم. عایشه می‌گوید: پیغمبر فرمودند: کار خوبی انجام دادی!!

ابن تیمیه سپس می‌گوید:

«وَأَمَّا فِعْلُ عُثْمَانَ وَعَائِشَةَ فَتَأْوِيلٌ مِنْهُمَا»

اقدام عثمان و عایشه که در سفر نماز چهار رکعتی می‌خواندند، اجتهاد بوده است.

حال ما نمی‌دانیم که اجتهاد از کجا وارد شده است. روایت قصر را خود عایشه نقل کرده است و عمل به تمام را هم از عایشه نقل کردند.

خود او از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روایتی در سفر نقل کرده است که نماز شکسته است، ولی خود عایشه در سفر نماز را تمام می‌خواند!! سپس می‌گوید:

«أَنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا فِي حَجٍّ أَوْ عُمْرَةٍ أَوْ جِهَادٍ ثُمَّ قَدْ خَالَفَهُمَا أَيْمَةُ الصَّحَابَةِ»

کسانی که گفتند در بعضی از سفرها قصر است و در بعضی از سفرها چطور است و در حج عمره و جهاد چطور است، همگی خلاف سنت پیغمبر اکرم است.

سپس می‌گوید: کسانی که می‌گویند صحیح است، به آیه شریفه (فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ) استدلال کردند و می‌گویند:

«إِنَّمَا تُسْتَعْمَلُ فِي الْمُبَاحِ: لَا فِي الْوَاجِبِ»

سپس چند مورد از آیات قرآن کریم در این زمینه را می‌آورد، سپس این مسئله را رد می‌کند و می‌گوید:

«أَمَّا الْآيَةُ فَتَقُولُ: قَدْ عَلِمَ بِالتَّوَاتُرِ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّمَا كَانَ يَصَلِّي فِي السَّفَرِ رَكَعَتَيْنِ وَكَذَلِكَ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ بَعْدَهُ»

در این قسمت از روایت بیان می‌کند که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و ابوبکر و عمر در سفر نماز را دو رکعت می‌خواندند.

«وَهَذَا يَدُلُّ عَلَى أَنَّ الرَّكَعَتَيْنِ أَفْضَلُ كَمَا عَلَيْهِ جَمَاهِيرُ الْعُلَمَاءِ»

این مسئله دلالت می‌کند که رکعتین افضل است، همان طور که جماهیر علما بر این عقیده هستند.

«وَإِذَا كَانَ الْقَضْرُ طَاعَةً لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَهُوَ أَفْضَلُ مِنْ غَيْرِهِ»

سپس می گوید:

«وَقَدْ قَالَ تَعَالَى فِي السَّعْيِ {فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتِ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا} وَالطَّوَافُ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ هُوَ السَّعْيُ الْمَشْرُوعُ بِاتِّفَاقِ الْمُسْلِمِينَ»

مجموع الفتاوى، المؤلف: تقى الدين أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی (المتوفى: ۷۲۸ هـ)،  
المحقق: عبد الرحمن بن محمد، الناشر: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، المدينة النبوية،  
المملكة العربية السعودية، عام النشر: ۱۴۱۶ هـ/ ۱۹۹۵ م، ج ۲۴، ص ۹۶

همچنین قبلاً فتاویٰ لجنه عربستان را هم خواندیم. بنابراین ثابت شد که نماز شکسته در سفر سنت است.  
آقایان این روایت را به صورت بسیار زیبا بیان کردند که عثمان و عایشه نماز در سفر را چهار رکعتی خوانده اند.  
«عبدالرزاق صنعانی» نقل می کند که از «عبدالله بن عمر» سؤال کردم: حکم نماز در سفر چیست؟! او گفت:

«صَلَاةُ السَّفَرِ رَكَعَتَانِ مَنْ خَالَفَ السُّنَّةَ كَفَرَ»

دو رکعت دو رکعت است و هرکسی با سنت مخالفت کند کافر است.

المصنف، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني، دار النشر: المكتب الإسلامي - بيروت -  
۱۴۰۳، الطبعة: الثانية، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي، ج ۲، ص ۵۱۹

همچنین «ابن حجر» همین روایت را بیان می کند:

«صلاة السفر ركعتان، من ترك السنة فقد كفر»

و در ادامه می گوید:

«إسناده صحيح»

المطالِبُ العَالِيَةُ؛ المؤلف: أبو الفضل أحمد بن علي بن حجر العسقلاني (المتوفى: ٨٥٢ هـ)، المحقق: مجموعة من الباحثين، الناشر: دار العاصمة للنشر والتوزيع - دار الغيث للنشر والتوزيع، الطبعة: الأولى،

ج ٥، ص ١٠٠، ح ٧٣٦

همچنین آقای «کاشانی» که از فقهای احناف است، همین تعبیر را می‌آورد. در این روایت وارد شده است که هرکسی در سفر چهار رکعت نماز بخواند، با سنت مخالفت کرده است و این شخص کافر است.

«ابن تیمیه» هم از قافله عقب نمانده است و می‌گوید:

«مَنْ خَالَفَ السُّنَّةَ كَفَرَ: أَي مَنْ اعْتَقَدَ أَنَّ صَلَاةَ رَكَعَتَيْنِ لَيْسَ بِمَسْنُونٍ وَلَا مَشْرُوعٍ فَقَدْ كَفَرَ»

مجموع الفتاوى، المؤلف: تقى الدين أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی (المتوفى: ٧٢٨ هـ)، المحقق: عبد الرحمن بن محمد، الناشر: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، المدينة النبوية، المملكة العربية السعودية، عام النشر: ١٤١٦ هـ/١٩٩٥ م، ج ٢٢، ص ٧٩

همچنین می‌گوید:

«وَمَنْ خَالَفَ السُّنَّةَ كَفَرَ وَبَعْضُهُمْ رَفَعَهُ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. فَبَيَّنَ أَنَّ صَلَاةَ السَّفَرِ رَكَعَتَانِ وَأَنَّ ذَلِكَ مِنَ السُّنَّةِ الَّتِي مَنْ خَالَفَهَا فَاعْتَقَدَ خِلَافَهَا فَقَدْ كَفَرَ»

مجموع الفتاوى، المؤلف: تقى الدين أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی (المتوفى: ٧٢٨ هـ)، المحقق: عبد الرحمن بن محمد، الناشر: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، المدينة النبوية، المملكة العربية السعودية، عام النشر: ١٤١٦ هـ/١٩٩٥ م، ج ٢٤، ص ١٠٨

«ابو جعفر طحاوی» که یکی از فقهای پرآوازه اهل سنت است و شاید اعتبار او از ائمه اربعه اهل سنت کمتر نباشد، در روایتی می‌گوید: از «عمر بن خطاب» در مورد نماز در سفر سؤال کردند، او گفت:

« فقال أخشى أن تكذب علي زكعتان من خالف السنة كفر »

شرح معاني الآثار، اسم المؤلف: أحمد بن محمد بن سلامة بن عبد الملك بن سلمة أبو جعفر الطحاوي، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ١٣٩٩، الطبعة: الأولى، تحقيق: محمد زهري النجار؛ ج ١، ص

٤٢٢

همچنین «نسائی» از عایشه نقل می‌کند و می‌گوید:

«أنها اعتمرت مع رسول الله من المدينة إلى مكة حتى إذا قدمت مكة قالت يا رسول الله بأبي أنت وأمي قصرت وأتممت وأفطرت وصمت»

من با پیغمبر به عمره رفتم. از مدینه تا مکه. وقتی به مکه رسیدیم به پیغمبر گفتم که شما نماز را قصر خواندی، من تمام خواندم، شما افطار کردی و من روزه دار بودم.

«قال أحسنت يا عائشة وما عاب علي»

پیغمبر اکرم فرمودند: احسنت ای عایشه و صراحتاً عیبی بر من نگرفت.

السنن الكبرى، اسم المؤلف: أحمد بن شعيب أبو عبد الرحمن النسائي، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤١١ - ١٩٩١، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. عبد الغفار سليمان البنداري، سيد كسروي حسن، ج ١،

ص ٥٨٨، ح ١٩١٤

آیا پیغمبر اکرم به عایشه بابت اینکه از دستورشان سرپیچی کرده است احسنت گفتند، یا از احسنت را به عنوان

استفهام انکاری استفاده کردند؟!

«قرطبی» هم سند این روایت را تأیید کرده است. همچنین «ابو جعفر طحاوی» هم می‌گوید: عایشه می‌گوید  
من با پیغمبر اکرم رفتم؛

«فأفطر رسول الله و صمت و قصر رسول الله و اتممت»

وقتی که وارد مکه شدیم، گفتم:

«أفطرت و صمت و قصرت و اتممت و لم يذكر في حديثه غير هذا»

او می‌گوید که در روایت، عبارت «أحسننت يا عائشة وما عاب علي» وجود ندارد و منظور او این است که طرفداران  
عایشه این عبارت را اضافه کردند.

«فدل ذلك ان التقصير كان من رسول الله و ان الاتمام كان من عائشة»

شرح معاني الآثار، اسم المؤلف: أحمد بن محمد بن سلامة بن عبد الملك بن سلمة أبو جعفر الطحاوي،  
دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ١٣٩٩، الطبعة: الأولى، تحقيق: محمد زهري النجار؛ ج ١١، ص ٢٦

همچنین «ابن تیمیه» این عبارت را می‌آورد:

«وَأَمَّا الْحَدِيثُ الَّذِي يَرَوَى عَنْ { - عَائِشَةَ: أَنَّهَا اعْتَمَرَتْ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنَ الْمَدِينَةِ  
إِلَى مَكَّةَ حَتَّى إِذَا قَدِمَتْ مَكَّةَ قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي قَصَرْتِ وَأَتَمَّمْتِ وَأَفْطَرْتِ وَصُمْتِ. قَالَ:  
أَحْسَنْتِ يَا عَائِشَةُ وَمَا عَابَ عَلَيَّ }»

سپس می‌گوید:

«رَوَاهُ النَّسَائِيُّ وَقَالَ: إِسْنَادُهُ حَسَنٌ»

در ادامه می‌گوید:

«فَهَذَا لَوْ صَحَّ لَمْ يَكُنْ فِيهِ دَلِيلٌ عَلَى أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَتَمَّ " وَإِنَّمَا فِيهِ إِذْنُهُ فِي الْإِتِمَامِ مَعَ أَنَّ هَذَا الْحَدِيثَ عَلَى هَذَا الْوَجْهِ لَيْسَ بِصَحِيحٍ " بَلْ هُوَ خَطَأٌ لِيُوجِبَهُ»

همچنین می گوید:

«أَحَدُهَا: أَنَّ الَّذِي فِي الصَّحِيحِينَ عَنِ عَائِشَةَ: {أَنَّ صَلَاةَ السَّفَرِ رَكَعَتَانِ} وَقَدْ ذَكَرَ ابْنُ أَخِيهَا وَهُوَ أَعْلَمُ النَّاسِ بِهَا: أَنَّهَا إِنَّمَا أَتَمَّتِ الصَّلَاةَ فِي السَّفَرِ بِتَأْوِيلِ تَأْوِيلِهِ لَا بِنَصِّ كَانَ مَعَهَا»

در نهایت می گوید:

«فَعَلِمَ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ مَعَهَا فِيهِ نَصٌّ»

پس معلوم می شود که همراه عائشه روایتی درباره کامل خواندن نماز در سفر نبوده است.

مجموع الفتاوى، المؤلف: تقى الدين أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحرانى (المتوفى: ٧٢٨ هـ)،  
المحقق: عبد الرحمن بن محمد، الناشر: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، المدينة النبوية،  
المملكة العربية السعودية، عام النشر: ١٤١٦ هـ/١٩٩٥ م، ج ٢٢، ص ٨٠

همچنین آقای «ابن حجر عسقلانى» هم این روایت را بیان می کند. همچنین «ابن حزم أندلسى» می گوید:

«وَمِنْ طَرِيقِ عَطَاءٍ عَنِ عَائِشَةَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يَسَافِرُ فَيَتِمُّ الصَّلَاةَ وَيَقْضُرُ وَيَبُأَنَّ عُثْمَانَ أَتَمَّ الصَّلَاةَ بِمِئْتَى بِخَضْرَاءَ جَمِيعِ الصَّحَابَةِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ فَأَتَمُّوَهَا مَعَهُ»

در این روایت وارد شده است که عثمان در سفر نماز را تمام خواند و همه صحابه هم با او تمام خواندند!!

«وَبِأَنَّ عَائِشَةَ وَهِيَ رَوَتْ فُرِضَتْ الصَّلَاةُ رَكَعَتَيْنِ رَكَعَتَيْنِ كَانَتْ تُتَمُّ فِي السَّفَرِ»

عایشه خود می گوید که نماز مسافر دو رکعت دو رکعت است، اما در سفر نماز خود را تمام می خواند.

«قال على هذا كلُّ ما احتجُّوا به وَكُلُّهُ لَأُحْجَّةٌ لَهُمْ فِيهِ»

تمام این مواردی که نقل کردند در رابطه با نماز قصر هیچ حجتی برای این‌ها نیست.

«أَمَّا الْآيَةُ فَإِنَّهَا لَمْ تَنْزِلْ فِي الْقَصْرِ الْمَذْكُورِ»

اما آیه اصلاً ارتباطی به نماز قصر ندارد.

«زهري» می‌گوید من به «عروة بن زبير» گفتم:

«فما كان عملاً عائشة أن تُتمَّ في السفر وقد علمت أن الله تعالى فرضها ركعتين ركعتين»

عمل عایشه چیست وقتی که خود می‌گوید نماز مسافر دو رکعت دو رکعت است، اما خودش تمام

می‌خواند؟!!

«قال تأولت من ذلك ما تأول عثمان من إتمام الصلاة بمئى»

گفت: همان‌طور که عثمان در منی نمازش را تمام خواند و اجتهاد کرد، عایشه هم نمازش را در سفر

تمام خواند و داشت اجتهاد می‌کرد.

المحلى، اسم المؤلف: على بن أحمد بن سعيد بن حزم الظاهري أبو محمد، دار النشر: دار الآفاق

الجديدة - بيروت، تحقيق: لجنة إحياء التراث العربي، ج ٤، ص ٢٦٩، ح ٥١٢

یکی از بحث‌های مهمی که وجود دارد و خوب باید روی آن دقت شود، همین بحث است. قضیه عایشه که روشن

شد، زیرا که خودش از پیغمبر اکرم نقل می‌کند که نماز در سفر دو رکعت دو رکعت است.

عایشه خود نقل می‌کند که پیغمبر اکرم نماز را در سفر دو رکعت دو رکعت می‌خواند، اما من به جهت مخالفت با

رسول الله چهار رکعت می‌خواندم. پیغمبر اکرم روزه خود را افطار می‌کرد، اما من برای مخالفت روزه می‌گرفتم!!



ظاهراً در همان سفر است که شتر یکی از أمهات المؤمنین به نام «صفیه» که بار سنگین داشت، عقب مانده بود. شتر عایشه بار کمی داشت و خودش هم لاغر بود. پیغمبر اکرم دستور دادند که شترهایتان را با هم عوض کنید. این مسئله موجب ناراحتی عایشه شد و خطاب به رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) گفت:

«ألسنت تزعم أنك رسول الله»

آیا تو خیال می‌کنی که پیغمبر هستی؟

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، اسم المؤلف: علی بن أبی بکر الهیثمی، دار النشر: دار الریان للتراث/دار

الکتاب العربی - القاهرة، بیروت - ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۳۲۲، باب غیرة النساء

این عبارت خیلی وقیح است!! اگر واقعاً این روایت حقیقت داشته باشد، باید فاتحه بسیاری موارد دیگر خوانده شود.

آقایانی که ادعا می‌کنند در کتب شیعه این همه مطالب علیه عایشه وجود دارد، اگر تمام این مطالب را در یک کفه بگذارند و همین عبارت را در یک کفه بگذارند این روایت سنگین‌تر است!!

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته